

مرکز بررسی‌ها و مطالعات راهبردی - نکته روز شماره ۵۱ - هفتم خرداد ۹۴

«الزامات توسعه صنعتی کشور کدامند؟»

تحقق اهداف توسعه اقتصادی کشور و خروج از کشوری به عنوان صادرکننده کالاهای متکی بر منابع طبیعی و کالاهای اولیه و همچنین خروج از اتکای کشور به درآمدهای نفتی، نیازمند توجه به الزامات و فراهم شدن بسترهای مناسب مورد نیاز فضای داخلی و خارجی است تا تولید و صادرات صنعتی با گرایش صنایع پیشرفته بتواند در کنار اصلاحات ساختاری اقتصادی، ارتباط تجاری گسترده‌ای با فضای بین‌المللی برقرار سازد و از طریق توجه به گرایش‌های فضای بین‌المللی (آزادسازی بازارها، همگرایی‌های منطقه‌ای، بین‌المللی شدن تولید، سیاست تجاری مناسب و ...) و افزایش رقابت‌پذیری و توان رقابتی، جایگاه مناسبی در تجارت جهانی بدست آورد.

از جمله الزامات توسعه صنعتی کشور می‌توان به نقش پررنگ دولت در حمایت و هدایت صنایع کشور اشاره کرد. بررسی‌های انجام شده به ویژه در کشورهای آسیای جنوب شرقی نشان می‌دهد که دولت‌ها نقش مهمی در صنعتی شدن این کشورها داشته‌اند. البته نه دخالت دولت‌ها بلکه تدوین سیاست‌های صنعتی، اعتباری و تجاری مناسب و حمایت همه جانبه دولت‌ها منجر به توسعه کشورهای یاد شده و الگو قرار گرفتن آنها شده است. بهبود فضای کسب و کار کشور نیز در توسعه صنعتی نقش قابل توجهی دارد. به طوری که نامناسب بودن فضای کسب و کار، اتخاذ سیاست‌های تجاری نامناسب، توسعه نیافتگی و عدم یکپارچگی بازارهای مالی و فقدان طبقه مدیران خلاق و نوآور، کوچک بودن مقیاسهای تولید و ... جو فعالیت‌های کارآمد را نامساعد می‌کند.

به منظور تحقق توسعه فعالیت‌های تولیدی صادرات‌گرا در کشور نیاز به فضای سالم و رقابتی (اصلاح قوانین و مقررات محدود کننده فعالیت‌بخش خصوصی، کارآمد کردن بازار سرمایه، از بین بردن رانتها و ...) است تا فضا برای افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی فراهم گردد. به طوری که هیچ‌گونه رانت و انحصاری در بخش‌های خصوصی و دولتی وجود نداشته، شرکتهای دولتی از رقابت با بخش خصوصی اجتناب کرده و توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها برای همگان به ویژه کارآفرینان فراهم گردد. برقراری روابط بین‌المللی مناسب در توسعه

صنعتی کشور بسیار موثر است. دسترسی به سرمایه‌گذاری خارجی، استفاده از فناوری های نوین در عرضه صنایع و دسترسی آسان و بدون قید و شرط به بازارهای بین‌المللی و ... نیازمند ایجاد فضای همکاری های دوجانبه و چند جانبه منطقه‌ای و جهانی، داشتن سیاست خارجی مناسب در قبال شرکای تجاری کشور و همچنین ایجاد تنش در پایین‌ترین سطح با کشورهای توسعه یافته است. بدون وجود این فضا، امکان دستیابی به مزیت‌های خارجی نیز کمتر خواهد شد. توسعه صنعتی کشور نیازمند جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. باید پذیرفت که در صحنه بین‌المللی شرکت های ما چندان موفق نبوده‌اند. چرا که همیشه به صورت یک جزیره جدا در بازارهای جهانی حضور داشته‌اند. اتصال به شبکه زنجیره تولید و صادرات جهانی از طریق شرکت های بزرگ دنیا و سرمایه‌گذاری آنها در صنایع داخلی کشور، لازمه موفقیت و بهبود سهم بازار کشورما در بازارهای جهانی است. همچنین انتشار آمار و اطلاعات اقتصادی و تجاری به روز در کشور این امکان را فراهم می‌کند تا مسیر راه آینده را بهتر شناخت و این آمارها نشان می‌دهد که از چه مسیری می‌توان به سر منزل مقصود رسید. آزاد سازی، توسعه بخش خصوصی و کاهش سهم و نقش دولت ها در فعالیت های تولیدی صنعتی کشور نقش بسزایی دارد چراکه فرآیند آزادسازی در کشورهای در حال توسعه چارچوب عملیاتی و فعالیت های دولت ها و بنگاه ها را در این کشورها تغییر داده است. این دگرگونی سیاستی موجب شده که نقش دولت ها در فعالیت های اقتصادی تقلیل یابد. این اقدام توأم با جهانی شدن عملیات بنگاهی، زمینه را برای افزایش نقش فعالیت های بخش خصوصی در سطح بین‌المللی فراهم می‌آورد. یکی دیگر از ویژگی های عصر حاضر، گسترش تشکیل اتحادیه های منطقه ای در سراسر جهان است. در سه دهه اخیر تشکیل این اتحادیه ها به ویژه از سال ۱۹۹۰ رو به فزونی داشته است. به طوری که در سال ۱۹۹۵ که تعداد ۱۳۰ ترتیب منطقه‌ای به ثبت رسیده که این تعداد در سال ۲۰۰۲ به ۲۵۰ مورد و در حال حاضر به بیش از ۳۰۰ منطقه افزایش یافته است. فرآیند همگرایی منطقه ای بستر لازم را برای آزادسازی، بکارگیری ساز و کار بازار، اتخاذ سیاست های مشترک در حوزه های تجارت، سرمایه گذاری خارجی، رقابت و همچنین پیوندهای پولی ایجاد می‌کند. نکته قابل توجه این است که تشکیل اتحادیه منطقه ای که الزاماً با کاهش تعرفه‌ها و موانع تعرفه‌ای بین کشورهای عضو همراه است انگیزه های بالایی برای سرمایه گذاری شرکت های چند ملیتی فراهم می‌آورد. زیرا عمده سرمایه گذاری های شرکت های چند ملیتی با هدف تصاحب بازار کشور میزبان و کشورهای پیرامون صورت می‌گیرد. حال با تشکیل اتحادیه منطقه ای دسترسی شرکت ها به بازارهای کشورهای عضو آسان تر می‌شود. فرهنگ سازی در راستای بکارگیری فناوری های نوین نیز در توسعه صنعتی کشور نقش به سزایی دارد به طوریکه وجود طرز تفکرات بسته و ضد توسعه حاکم بر صنایع کشور به عنوان مانعی در راه اثبات سرمایه

و سرمایه‌گذاری صنعتی به ویژه در حوزه‌های نوین سازی فناوری‌های قدیمی، است و اجازه رشد و تعالی در این بخش‌ها به بنگاه‌ها داده نمی‌شود. همچنین نزدیکی دانشگاه با صنعت و ایجاد زبان مشترک بین آنها در جهت ایجاد بازوی فکری برای مدیران شرکت‌ها از دیگر اقداماتی توسعه صنعتی در کشور است که باید تقویت شود. رشد صنعتی کشور نیازمند همسویی سیاست‌های مالی، پولی و ارزی است. به طوری که یکی از معضلات گریبانگیر اقتصاد کشور افزایش سطح عمومی قیمت‌ها یا تورم است که باعث شده سرمایه‌گذاری در تولید به دلیل برگشت سرمایه در بلندمدت (نسبت به سرمایه‌گذاری در خدمات و برگشت سرمایه در کوتاه‌مدت) و ریسک‌های ناشی از آن و از طرف دیگر ثبات قیمت‌ها در بازارهای جهانی، کمتر مورد توجه قرار گیرد و عمده سرمایه‌گذاری‌ها به سمت فعالیت‌های زود بازده در بخش خدمات سوق یابد. در حالی که همسویی سیاست‌های پولی و مالی با سیاست ارزی مناسب، در کنار سایر الزامات منجر به تخصیص منابع مالی به امور تولید شده و طرح‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت نیز در اولویت قرار می‌گیرند. ثبات در اقتصاد کلان کشور که از طریق کاهش نااطمینانی و پیشبرد برنامه ریزی بلند مدت ایجاد می‌شود در توسعه صنعتی نقش بسزایی دارد. ایجاد و حفظ محیطی با ثبات در اقتصاد کشور مستلزم تغییرات اساسی در ساختار مالی دولت (برقراری انضباط مالی) بوده و در این راستا، مدیریت و سیاست‌های اقتصاد کلان (در چگونگی واکنش نسبت به شوک‌های داخلی و خارجی) نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

منبع: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

مرکز بررسی‌ها و مطالعات راهبردی